Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 12, No. 3, Autumn 2022, 157-189
DOI: 10.21859/priw-120307

An analysis of the Islamic movement of Dagestan

Jalal Dorakhsheh[1], Mohammad Amin Hazrati Razlighi[2]

Date received: 2022/05/28 **Date of acceptance**:2022/09/17

Abstract

The Islamic movement of Dagestan is one of the affecting players in the social developments of this region, which is influenced by the religious-cultural environment of Chechnya, and consists of two broad schools, traditional and Salafi. Despite the armed struggle against foreign colonial powers, the predominance of Tariqati and Sufi tendencies among Dagestani Islamists has caused the Islamic movement to take a tolerant attitude internally since the 18th century, but since the 1980s, especially with the collapse of the Soviet :union:, Salafi teachings and ethics have been promoted by the support of extra-regional powers. Considering the significance and position of Islamist parties and groups in the contemporary developments of the North Caucasus, the main question of the current article is what is the nature of the Islamic movement of Dagestan among contemporary Islamic movements? The authors have tried to answer the question by adopting a descriptive-analytical approach and collecting library data. The findings of the research reveal that the tendency of the majority of Dagestan's society towards Sufi schools and the growing awareness of the threats of Salafist beliefs in the region, traditionalism will continue to dominate the Islamic movement of the region in the upcoming decades. Therefore, the

1. Professor, Department of Political Science, Imam Sadegh University , Tehran, Iran(responsible Author). j.dorakhshah@yahoo.com

2. Doctoral student of International Relations, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. Hazrati.mhr@isu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

Islamic groups of Dagestan seek to concentrate on social and religious activities instead of formal-structured political engagement.

Keywords: Islamism, Dagestan, Sufi tariqas, Wahhabism

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۸۹-۱۵۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۷

تحلیلی بر جنبش اسلامی داغستان

جلال درخشه[۱]
محمد امین حضرتی رازلیقی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶**

چکیده

جنبش اسلامی داغستان از بازیگران مؤثر در تحولات اجتماعی این منطقه می‌باشد که با تأثیرپذیری از محیط دینی-فرهنگی چچن، از دو جریان سنتی و سلفی تشکیل شده است. غلبه گرایشات طریقتی و صوفیانه در میان اسلام‌گرایان داغستان، سبب گردیده است نهضت اسلامی این منطقه از قرن هجدهم به رغم مبارزه مسلحانه با استعمار بیرونی، رویکرد مسامحه‌آمیز و تساهل‌گرایانه در داخل پیش گیرد ولی از دهه هشتاد میلادی و به طور خاص با فروپاشی شوروی شاهد ترویج آموزه‌های سلفی با حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. با عنایت به اهمیت و جایگاه احزاب و جماعات اسلام‌گرا در تحولات معاصر شمال قفقاز، پرسش اصلی مقاله جاری آن است که جنبش اسلامی داغستان چه ماهیتی در میان جنبش‌های اسلامی معاصر دارد؟ نگارندگان با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به پرسش مذکور بوده‌اند. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه به گرایش اکثریت جامعه داغستان به طریقت‌های صوفی و آگاهی فزاینده نسبت به تهدیدات عقاید سلفی در منطقه، رویکرد سنت‌گرایی طی دهه‌های آتی همچنان بر جنبش اسلام‌گرایی این منطقه حاکم خواهد بود و فعالیت‌های اجتماعی و دینی و نه کنش‌های سیاسی رسمی و ساختارمند، کانون تمرکز جماعات اسلامی این منطقه را تشکیل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: اسلام‌گرایی، داغستان، طریقت‌های صوفی، وهابیت.

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). j.dorakhshah@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. Hazrati.mhr@isu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

۱. مقدمه

جمهوری داغستان یکی از ۸۵ واحد فدرال، پرجمعیت‌ترین و بزرگ‌ترین بخش جغرافیای قفقاز شمالی و جنوبی‌ترین بخش فدراسیون روسیه در امتداد دریای خزر می‌باشد که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، مهم‌ترین منطقه مسلمان‌نشین در شمال شرق قفقاز بود. داغستان با جمعیت ۳/۱ میلیون نفری، از تکثر و تنوع قومیتی و زبانی با بیش از سی گروه قومی از ۸۱ ملیت و ۳۰ گروه زبانی برخوردار است و در نتیجه مفهوم امت اسلامی نزد آنان چندان معنادار نیست.

مسلمانان داغستان به رغم محدودیت‌ها و فشارهای دوره ترازی و کمونیستی جهت فاصله‌گیری از هویت دینی و تبدیل‌شدن به یک شهروند «شورویائی»، همچنان التزام و وفاداری نسبی خود به شرایع اسلام را حفظ و به جهت باور درونی به معتقدات دینی، خود را بخشی از جامعه اسلامی تعریف و از پذیرش تام هویت ملی روس پرهیز می‌کنند. بنابراین، سخن اندیشمندان غربی درباره اینکه اسلام برای ساکنان ملل آسیای میانه از جمله داغستان بی‌معنا شده، چندان قابل صدق نیست (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۲۰). با این اوصاف، ارزیابی جنبش‌های اسلامی این منطقه نه پدیده‌ای تاریخی بلکه مسئله‌ای نوین در شناخت بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبش‌های معاصر در جهان اسلام است.

با عنایت به پیوند تاریخی، دینی و تمدنی مردم داغستان با تمدن ایران، کنشگری جریانات اسلام‌گرا در منطقه و تأثیر متقابل اسلام‌گرایان داغستان بر نهضت‌های اسلامی شمال قفقاز، بررسی نهضت اسلامی این منطقه در عرصه مطالعات جنبش‌های اسلامی اهمیت شگرفی می‌یابد. حضور سلفیون داغستان در منازعات فرامنطقه‌ای نظیر بحران سوریه و نقش‌آفرینی مسلمانان داغستان در تحول ساختار سیاسی و اجتماعی حاکم بر این منطقه طی سه دهه اخیر هم وجه دیگر ضرورت تدقیق در ماهیت جنبش اسلامی این منطقه است. بر این مبنا، پرسش اصلی مقاله جاری آن است که جنبش اسلامی داغستان چه ماهیتی در میان جنبش‌های اسلامی معاصر دارد؟ نگارندگان در راستای پاسخگویی به پرسش مذکور با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای، پس از تدقیق در مبانی فکری رهبران، و احزاب مطرح درون جنبش اسلامی داغستان، به بررسی نسبت آن با انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطف در جریانات اسلامی قرن بیستم پرداخته‌اند. پیش از ورود به مبانی نظری پژوهش و در راستای اثبات نوآوری پژوهش، می‌بایست اشاره‌ای گذرا به پیشینه مطالعات انجام‌شده در این حوزه موضوعی داشته باشیم. آثار پیشین مرتبط با پژوهش جاری را می‌توان در سه دسته عمده جای داد:

الف-پژوهش‌هایی که از تاریخچه و سیر تطور جنبش اسلامی داغستان با تمرکز بر جریانات صوفی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

بحث نموده و به رشد سلفیسم پس از فروپاشی شوروی نپرداخته‌اند. مری براکساپ و همکارانش (۱۳۷۷) در کتاب «دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز»، دنگا خالدوف (۱۳۷۲) در مقاله «اسلام و سیاست در داغستان» که در فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز به چاپ رسیده، ضمن معرفی جریانات اسلام‌گرای داغستان و گرایشات حزبی آنان، به سیر تطور اندیشه جهاد مسلمانان داغستان در برابر نیروی استعمار روسیه پرداخته بسنده نموده ولی از جریانات سلفی موجود در منطقه بحث نکرده‌اند. کتاب «جنبش اسلامی در قفقاز شمالی: در جستجوی خدا و آزادی» اثر آنا زلکینا (۱۳۹۰) شاید مهم‌ترین کتاب موجود برای شناخت ابعاد وجودی جنبش اسلامی منطقه چچن و داغستان است در حالی که مقاله جاری با نسبت‌سنجی میان جریانات سلفی با گروه‌های اسلام‌گرای سنتی از یکسو و مناسبات و دامنه نفوذ فرامنطقه‌ای جنبش اسلامی داغستان خود را از آثار مذکور متمایز می‌نماید.

ب-پژوهش‌هایی که در سطح تحلیل جامعه‌شناختی، به ابعاد هویتی - فرهنگی شهروندان داغستان پرداخته‌اند ولی برخلاف مقاله جاری، نسبتی میان مختصات هویتی آنان با جنبش اسلامی داغستان برقرار نکرده‌اند. مقاله «متغیر اسلام در داغستان[1]» اثر رابرت بروس و انور کیسریو (۲۰۰۰) که در مجله آسیای مرکزی منتشر شده، ابعاد تجلی هنجارها و ارزش‌های دینی را در حیات اجتماعی جامعه داغستان مورد توجه قرار می‌دهد ولی هیچ سخنی از اسلام‌گرایی در عرصه اجتماعی به میان نمی‌آورد.

ج-پژوهش‌هایی که به ارزیابی تأثیر متغیر دین بر کنشگری سیاسی مسلمانان داغستان پرداخته‌اند که بیشترین قرابت موضوعی را با تحقیق حاضر دارند. مریدی و بخشنده (۱۳۹۰) در مقاله « هویت و سیاست در جمهوري‌هاي مسلمان‌نشین روسیه: مطالعه موردي داغستان و تاتارستان» از منظر سازه‌انگارانه به ارزیابی تأثیر هویت دینی بر کنشگری سیاسی اسلام‌گرایان سنتی داغستان پرداخته‌اند در حالی که نوشتار جاری فراتر از سطح تحلیل جامعه‌شناسی، با تمرکز بر مفهوم «هویت سیاسی‌شده» تنها به بررسی این سیر تطور هویتی در میان اسلام‌گرایی جمهوری داغستان می‌پردازد.

در این مقاله، نویسندگان پس از تبیین مفهوم «هویت سیاسی‌شده» به مثابه چارچوب نظری نوشتار، از لایه‌های هویتی و جریانات سه‌گانه موجود در جنبش اسلامی داغستان، رهبران و اولویت‌های نظری - عملی آن‌ها بحث نموده‌اند. تشریح کیفیت کنشگری سیاسی احزاب و جریانات اسلام‌گرا، نسبت‌سنجی رابطه جنبش اسلامی داغستان با انقلاب اسلامی ایران و تبیین تأثیر و تأثر متقابل جنبش اسلامی داغستان بر محیط امنیتی آسیای مرکزی از دیگر محورهای مطرح‌شده در مقاله جاری خواهد بود.

1. The Islamic factor in Dagestan

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

۲. مبانی نظری

متعاقب استقلال کشورهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۱، دیدگاه‌های گوناگونی در باب نقش اسلام بر سیاست و جامعه جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه بیان می‌شد. تکثر قومی، بروز شکاف‌های اجتماعی-سیاسی و نگاه دینی-سنتی جوامع آسیای مرکزی در دهه هشتاد و نود خصوصا پس از اجرای سیاست پروستریکا، ارزیابی نقش دین در شکل‌گیری هویت ملی را ضروری می‌ساخت. در این چارچوب، مقاومت مسلمانان قفقاز شمالی در برابر حکام مستبد و ضددین منبعث از آموزه‌های اسلامی-صوفی بوده است که در رویکرد سیاسیِ هویت فرهنگی مسلمانان قفقاز ریشه دارد. بنابراین، مفهوم «هویت سیاسی‌شده» و بررسی کیفیت اثرگذاری چارچوب‌های دینی-اسلامی بر هویت‌بخشی سیاسی به جمهوریت در داغستان ذیل رویکرد اسلام سیاسی چارچوب نظری مقاله جاری را شکل می‌دهد.

بر اساس رویکرد سازه‌انگاری، هویت سیاسی نوع رابطه فرد با دستگاه سیاست و دولت است به این معنا که فرد چه تصویری از دولت، فضای سیاسی، نقش خود و سایر افراد جامعه نظیر دوستان در جامعه سیاسی دارد و آرمان‌های سیاسی کدام هستند (حسینی و شکری‌مقدم،۱۳۹۵: ۵۲). هویت سیاسی یک امر محتوم، مصنوعی و از پیش‌ساخته نیست بلکه در چارچوب سیاست، روابط اجتماعی و گذشته تاریخی یک ملت شکل می‌گیرد و برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک و التزام به مناسک و آداب مذهبی مشخص و پیشینه هویت دینی در فرآیند شکل‌دهی به هویت سیاسی ملی بسیار مؤثر خواهد بود. بر این مبنا، دو بُعد برای هویت اسلامی قابل تبیین است: نخست وضع چارچوب هنجاری حاکم بر رفتار فردی و دوم اتکا به ایده‌ها و ارزش‌های مطلوب اجتماعی نظیر عدالت‌طلبی (Yavuz,2003: 21). در این راستا، جنبش‌های اسلامی - اعم از دولت‌محور یا جامعه‌محور - هم با التزام به ضرورت کنشگری اجتماعی، افزایش آگاهی اجتماعی و ایجاد هویت جمعی، درصدد بازسازی هویت‌ها، سبک زندگی، ساختارهای نهادی و اخلاقی‌سازی جامعه از طریق نفوذ در حوزه آموزشی، فرهنگی و اقتصادی هستند.

انگاره‌های ذهنی دیگر عنصر مهم در فرآیند شکل‌گیری هویت سیاسی اسلامی قلمداد می‌گردند. اسلام در هسته سخت ساختار نمادین جوامع شمال قفقاز قرار دارد و رکن بنیادین منظومه در منظومه فکری و ارزش‌های اخلاقی مرسوم و مشترک در جامعه محسوب می‌شود که شهروندان با استناد به آن‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی مطلوب را ترسیم می‌کنند (Yavuz,2003: 23).

از نگاه کلیفورد گیرتز، دین و سنت در کشورهای در حال توسعه به مثابه "نقشه راه شناخت" یا نوعی "مرام" عمل نموده و گروه‌های پراکنده را به منظور هدف سیاسی مشترک گرد هم می‌آورد. به عبارت بهتر،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

دین به عنوان یک عنصر محرکه قادر است نمادهای لازم را برای بسیج شهروندان فراهم کند، ساختار مناسب را برای سازماندهی آن‌ها پدید آورد و سلسله‌مراتب و شبکه رهبری لازم جهت نفوذ در نظام سیاسی را شکل دهد. بررسی تاریخ معاصر کشورهای اسلامی حکایت از آن دارد که در بسیاری از آن‌ها، اسلام کارکرد بسیج‌کنندگی و نقش چتر حمایتی را ایفا می‌کند و گروه‌های گاها متضاد به منظور مقابله با نظام‌های خودکامه، به نمادها و آموزه‌های متوسل می‌شوند (Yavuz,2003: 18-19). به بیان دیگر، دین نه به مثابه یک نهاد بلکه در قالب یک هویت فردی یا جمعی عمل می‌کند و هویت دینی با جمع عناصر معنوی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - نهادی، بستر گفتگو را میان گروه‌ها و جوامع با جهت‌گیری متفاوت دینی - قومی متفاوت فراهم می‌آورد (Borisov,Akaeva,Kazieva,2016: 165-166). حضور و کنشگری طیف وسیعی از طریقت‌های صوفی تا جریانات سلفی رادیکال در میان اسلام‌گرایان داغستان که اولی در غیریت‌سازی با استعمار بیرونی و دومی در غیریت‌سازی با سکولاریسم مدرن غربی مفصل‌بندی شده است، صدق گزاره مذکور را در مورد جنبش اسلامی این منطقه تأیید می‌کند. فهم هویت جامعه تنها با شناخت جهت‌گیری مذهبی شهروندان، نهادهای دینی و جوامع ایمانی و کیفیت اثرگذاری آن بر محیط اجتماعی پیرامونی امکان‌پذیر است و به همین جهت، مقاله جاری بر ابعاد بروز هویت دینی بر حیات اجتماعی جغرافیای داغستان بحث می‌کند.

۳. لایه‌های هویتی-اسلامی در داغستان

گرایش به اسلام جزء جدایی‌ناپذیر هویت قومی ساکنان قفقاز شمالی نظیر داغستان می‌باشد و پیوند اسلام با هویت قومی مردم این منطقه و ریشه‌های تاریخی آن عامل اساسی تداوم حیات اسلام در داغستان است به گونه‌ای که اسلام به بخشی از هویت ملی شهروندان این منطقه بدل شده است (حسینی،۱۳۹۵).

مسلمانان روسیه جنوبی برخلاف مسلمانان روسیه مرکزی نظیر تاتارها خود را روس نمی‌دانند و به رغم نقش فرهنگی و کارکرد هویت‌بخش دین در تاتارستان و تفکیک همیشگی دین و دولت از یکدیگر، دین در قفقاز شمالی کارکرد شریعت‌نویسی دارد و قواعد اجتماعی و سنت‌های اجرایی مبتنی بر دستورات دینی تکوین یافته‌اند. علاوه بر آن، اسلام هیچ‌گاه بر فرهنگ سیاسی ترکی در منطقه روسیه مرکزی (ولگا-اورال) چیره نشد، احکام اجتماعی اسلام فرصت ظهور پیدا نکرد و جنبش اسلامی در روسیه مرکزی هیچ‌گاه از قدرت سیاسی برخوردار نبود ولی داغستان با مزج هویت اسلامی در هویت ملی، حاکمیت اسلامی را در برهه‌های گوناگون زمانی تجربه نموده (حسینی،۱۳۹۵) و بزرگ‌ترین موج هویت‌یابی را در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

دوران پسافروپاشی شوروی تجربه کرد (کولایی و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

مزج اسلام در هویت قومی ساکنان داغستان به عنوان مهد اسلام در شمال قفقاز و ابتنای نظام حقوقی و قضایی آن بر قوانین شریعت، عمده مناسبات اجتماعی مردم را متأثر از مبانی دینی-سنتی ساخته و سبب حاکمیت اسلام و شعائر دینی بر تمام مظاهر حیات روزمره و جوانب گوناگون حیات فردی و اجتماعی ساکنان داغستان شده است (خالدوف، ۱۳۷۲: ۱۲۹). بر این مبنا، اشتراک عقیدتی و باور عمیق قومیت‌ها و ملیت‌های داغستان به مبانی اسلام، شریعت محمدی را به عنصر وحدت‌بخش و عامل همگرایی در داغستان بدل نموده و بدنه اجتماعی معتقد به اسلام، مهم‌ترین علت قدرت‌یابی جنبش‌های اسلامی در این منطقه قلمداد می‌شود.

داغستان به عنوان سنتی‌ترین و دیندارترین جمهوری مسلمان‌نشین روسیه، از دیرباز منطقه‌ای مذهبی محسوب می‌گردد به گونه‌ای که تا پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، ۳۵۶ مسجد جامع و ۱۷۰۰ مسجد محلی در داغستان فعال بود و ۷۶۶ مدرسه علمیه به آموزش‌های مذهبی اشتغال داشتند. به رغم نفوذ هویتی اسلام در حیات ساکنان داغستان، فشار دولت دین‌ستیز کمونیستی و تبلیغات ضدمذهبی شوروی علیه اسلام به عنوان مهم‌ترین رقیب ایدئولوژیک کمونیسم درون مرزهای شوروی، بروز هویت اسلامی را در داغستان به شدت محدود کرد به حدی که تعداد مساجد فعال داغستان در سال ۱۹۸۷ از ۲۷ مسجد تجاوز نمی‌کرد (Roshcin,2018). حکومت بلشویک‌ها مبارزه گسترده با مبلغان و مروجان «اسلام نظری» و مبتنی بر دانش را در سراسر آسیای مرکزی از جمله داغستان در دستور کار قرار داد که به تضعیف ادبیات مذهبی منجر گشت و «اسلام عامی» را جایگزین اسلام نظری ساخت که تنها به برگزاری مراسم ازدواج و تدفین مطابق آیین‌های مذهبی و بزرگداشت اعیاد دینی عطف توجه می‌کرد(فلاح، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۴). با این حال و به لطف نقش برجسته طریقت‌های صوفی در حیات اجتماعی شهروندان، هویت دینی جامعه حفظ شد و طی هفتاد سال حاکمیت بلشویک‌ها، داغستان کمتر از سایر مناطق شوروی به سوسیالیسم گرایید. به عبارت بهتر، ناکامی الحاد کمونیستی در جلب قلوب مؤمنان قفقاز، اسلام را همچنان به عنوان عنصر اساسی در سبک زندگی مردمان این مناطق نگه داشت (براکساپ و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۳۹).

پس از فروپاشی شوروی و در راستای «گلاسنوست» گورباچف در اواخر دهه هشتاد میلادی و متعاقب آن تصویب قانون آزادی مذهبی در سال ۱۹۹۰، اسلامی‌سازی دوباره داغستان آغاز و از اواخر دهه نود میلادی به اوج خود رسید به گونه‌ای که از وقوع «رنسانس اسلامی» در این منطقه سخن گفته می‌شد. این تجدید حیات اسلامی علاوه بر اعتقاد عمومی به جدایی‌ناپذیری اسلام از قومیت، در

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

فعالیت‌های سازمان‌یافته و هدفمند اهل طریقت و تبلیغات دینی کشورهای خارجی نظیر ایران ریشه داشت (براکساپ و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۴۷) و زمینه‌ساز فعالیت دوباره مدارس و مؤسسات اسلامی گردید.

در اواخر دوره حاکمیت شوروی، اپوزیسیون اسلامی با بهره‌گیری از اجرای سیاست آزادی دینی، از موضع مقاومت خارج شد و کنشگری رسمی رهبران دینی در فضای رسمی معطوف به دو زمینه بود: نخست آزادی در اجرای مناسک و اعمال دینی نظیر احداث مساجد جدید یا آموزش زبان عربی (Roshcin,2018) و دوم بحث ایدئولوژیک با دکترین رسمی (براکساپ و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۴۲-۲۴۴).

٤. ماهیت جنبش اسلامی داغستان

راهبرد روس‌ها از قرن هجدهم برای دسترسی به هند و آب‌های گرم و دستیابی به بازار ایران از مسیر داغستان، مقاومت مسلمانان این منطقه را برای حفظ استقلال خود در برابر روسیه در پی داشت. در قرون هجدهم و نوزدهم، جمعیت داغستان متشکل از چندین گروه عشایری بود که حتی زبان یکدیگر را نمی‌فهمیدند و حس قومیت میان آن‌ها ضعیف بود ولی هویت اسلامی و مخالف با توسعه‌طلبی روس‌ها، آن‌ها را متحد ساخت و بستر شکل‌گیری نهضت اسلامی در داغستان را فراهم آورد. در اواسط قرن نوزدهم، شیوه جدید رهبری شیوخ نقشبندی، مشروعیت رهبران قبیله‌ای و جماعتی را زیر سؤال برد، قدرت آنان را تضعیف و دیدگاه‌های نقشبندی را به منبع مشروعیت‌ساز حکومت بدل کرد. این تحول که از آن با نام «صوفی‌گرایی جدید» یاد می‌شود، شیوخ نقشبندی را قادر ساخت اقتدار نظامی، سیاسی و مذهبی منطقه را در اختیار گرفته، نخستین دولت قفقاز شمالی را بر پایه اصول تصوف بنا کنند، به رویارویی فزاینده با روسیه و قدرت‌های اروپایی برخیزند و به منظور حل بحران‌های سیاسی داخلی، دست به اصلاحات نوین اسلامی بزنند (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۹).

به عبارت بهتر، روحیه مبارزه‌طلبی اسلام‌گرایان داغستان متأثر از دو خصیصه اجتماعی اقوام چچن و اینگوش است: نخست مبارزه با استبداد، قانون‌مداری و باور به تساوی حقوق و دوم ارزش و احترام والای اسلام نزد آن‌ها و روحیه متعهدانه نسبت به دینداری (براکساپ و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۸۹، ۹۵). بنابراین، مبارزات رهبران صوفی با نیروهای روس در قرن هجدهم از دهه ۱۷۸۰ به بعد را باید نقطه آغاز نهضت اسلامی داغستان قلمداد کرد که در قرون نوزدهم و بیستم به اوج خود رسید. این جنبش از قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم ماهیت استعمارستیز داشت و عمیقا تحت تأثیر مذهب تصوف و آموزه های مشایخ نقشبندی بود ولی گرایشات سلفی در جنبش اسلامی داغستان، ماهیت تجزیه‌طلبانه به آن بخشیده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

بنابراین، هویت اسلامی در داغستان در دو لایه اصلی سنت‌گرایی و سلفی‌گرایی و لایه فرعی اقلیت شیعه قابل ارزیابی است:

۱-۴. سنت‌گرایی

اسلام‌گرایان سنتی با نگرش محافظه‌کارانه و کنش‌پذیر به مذهب، نگاه فردی به عبادات و آموزه‌های دینی دارند. برای این گروه، اسلام نه یک تعهد مذهبی بلکه از عناصر میراث گذشتگان است و تصوف به عنوان مهم‌ترین جریان سنت‌گرای دینی در سازگاری با آیین‌های قومی و هویت محلی مردمان منطقه قرار دارد (فلاح، ۱۳۹۰: ۴۴). عقاید صوفیه از قرن دهم میلادی و از راه آذربایجان توسط شیخ اسماعیل الشیروانی الکردامیری وارد قفقاز شمالی شد و توسط دو شاگردش «خاص محمد» و «شیخ محمد الیراقی» در داغستان انتشار یافت (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۳۷). در قرن یازدهم، داغستان جنوبی به یکی از مراکز مهم عرفان تبدیل و و تا نیمه قرن پانزدهم همزمان با گسترش نفوذ مشایخ صوفی، اعتبار معنوی و اقتدار مذهبی آن‌ها به قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل شد (زلکینا، ۱۳۹۰: ۸۱). نخبه‌گرایی، تفسیر درونی و عرفانی فریضه جهاد و پرهیز از کنش‌های خشونت‌آمیز مهم‌ترین ویژگی مکاتب صوفی اهل سنت داغستان محسوب می‌گردد. پس از فروپاشی شوروی، ۴۰ انجمن صوفیانه در داغستان به ثبت رسید و بیش از ۶۰ درصد مردم محلی خود را پیرو مکاتب صوفی معرفی کرده‌اند (طاهری و هاشمی‌نسب،۱۳۸۸: ۲۲۳).

در آغاز حضور بلشویک‌ها و تا نیمه دهه ۱۹۲۰، دولت بلشویکی به تبعیت از راهبرد کلان خود در آسیای مرکزی، به رویارویی آشکار با نمادها و باورهای اسلامی در آسیای مرکزی نپرداخت و حتی پیشنهاد نصب عکس امام شامل و نواب او را در مدارس و ادارات داغستان داد. ولی از اواسط ۱۹۲۰ روند واگرایی میان سنت‌گرایان داغستان و بلشویک‌ها آغاز شد، صوفیان به عنوان دشمن مردم شوروی معرفی و و کنش‌های دینی مرشدهای مکاتب صوفی داغستان به چالش امنیتی-هویتی برای کرملین بدل گردید. دولت استالین با تأسیس «دفتر معنوی مسلمانان»، رصد تحرکات رهبران و نهادهای اسلامی شوروی را دنبال می‌کرد و به رغم پذیرش اسلام و ایجاد فضای محدود برای فعالیت مذهبی مسلمانان، دولت شوروی تا زمان گورباچف به رویکرد ضددینی خود ادامه داد.

در واکنش به رویکرد دین‌ستیز بلشویک‌ها، قیام‌های متعددی توسط اقوام اسلام‌گرای داغستان رخ داد که از سه قرن پیش مشغول مبارزه با ارتش تزار بوده و رهبری آن‌ها برعهده صوفیان نقشبندیه بود. در مقابل، دولت کمونیستی هم فعالیت صوفیان را ممنوع، آن‌ها را « نیروهاي ارتجاعی خطرناك، متعصب، ضد روس و ضد سوسیالیـست» قلمداد و رهبران صوفی را وادار به زندگی زیرزمینی کرد. پس از فروپاشی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

شوروی، طریقت‌های صوفی که در دهه‌های ۱۹۲۰-۱۹۹۰ با ایجاد شبکه ارتباطات غیررسمی از طریق مساجد، محفل‌های سیاسی غیررسمی را در حاشیه سیستم سیاسی داغستان تعریف کردند، از جایگاه اسلام غیررسمی و اسلام موازی به اسلام رسمی تبدیل شدند و رهبران آن‌ها ضمن تصدی ریاست نهادهای دولتی دینی، از موقعیت حاکمیتی برخوردار گردیدند (حسینی تقی‌آباد و کالیراد، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

در میان مکاتب صوفی داغستان، دو طریقت «نقشبندیه» و «قادریه» در کانون کنش‌های اجتماعی-سیاسی طریقت‌های صوفی قرار داشته‌اند. طریقت نقشبندیه منتسب به خواجه بهاءالدین نقشبندی و طریقت قادریه منتسب به عبدالقادر گیلانی از فقهای حنبلی بغداد مبدأ شکل‌گیری جنبش‌های اسلام‌گرا در داغستان هستند. مبانی حلقه نقشبندیه به مثابه ایدئولوژی مقاومت ضداستعماری امامان مکاتب صوفی در مقابله با تهاجم روس‌ها به قفقاز شمالی عامل مؤثری در شناخت جریانات اسلامی داغستان محسوب می‌گردد.

حلقه نقشبندی از قرن چهاردهم میلادی و همزمان با و علت تلاش‌های مداوم روسیه برای کنترل اجتماعی و سیاسی داغستان، در این منطقه ریشه دواند. نقشبندیه افول جامعه قفقاز شمالی را منبعث از دورشدن مردم از روح واقعی اسلام و ناتوانی در اجرای دقیق شریعت می‌دانست که با معرفی خویش به عنوان عامل نجات‌بخش و رهایی از بردگی استعمار، به مانند وحی الهی نزد مسلمانان قفقاز شمالی پذیرفته شد (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۵۵ و ۱۷۸). به عبارت دیگر، تلفیق احساسات دینی با علائق ملی توسط این رهبران و همزمانی فتوحات روسیه در قفقاز با گسترش طریقت نقشبندیه در این منطقه، روسیه را به تجاوزگر خارجی بدل و مقاومت در برابر کفار روس را به غزوه یا جهاد مقدس تبدیل می‌کرد و جهاد و مقابله با سلطه کفار و در نهایت تأسیس حکومت اسلامی کانون ایدئولوژی آنان را تشکیل می‌داد. در مواعظ شیخ محمد الیراقی از رهبران نقشبندیه به مردم داغستان آمده است:«خداوند متعال شما را برای نبرد با کفار آماده می‌سازد و عزرائیل بر فراز ارتش روس‌ها به پرواز درخواهد آمد... شما درمی‌یابید که خداوند از هر تزار زمینی، قدرتمندتر است» (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

بنابراین، مکتب نقشبندیه به عنوان آیین سنتی اهالی قفقاز شمالی، پس از تهاجمات مکرر روس‌ها به این منطقه در اواسط قرن نوزدهم جنبه سیاسی یافت. با آغاز کنش اجتماعی رهبران نقشبندی، وحدت جوامع پراکنده داغستان به دستور کار آن‌ها تبدیل شد و به تدریج تحت تأثیر تعمیق و گسترش عقاید نقشبندی، قواعد شریعت جایگزین قوانین عرفی در نظام حقوقی این منطقه گردید. به عبارت دیگر، جنبش نقشبندیه که در سایه تقابل با روس‌ها به عرصه اجتماعی راه یافته بود، جامعه قفقاز شمالی از جمله

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

داغستان را با ارزش‌های اسلامی و مفاهیم نوین سیاسی نظیر دولت و شهروندی آشنا ساخت.

تحولات تدریجی در گرایشات صوفیانه داغستان، سبب ظهور ادبیات «نئوصوفیسم» گردیده است که صوفی‌گری را نه تنها یک روش زندگی بلکه نوعی ایدئولوژی تعریف می‌کند که از پتانسیل سیاسی‌شدن برخوردار است. در این چارچوب، اجتماع برادران معنوی تحت رهبری یک شخصیت کاریزماتیک، شخص را یاری می‌کند تا یکپارچگی غایت را حس و التزام و وابستگی خویش را به حزب متبوع طریقت خویش حفظ کند (فلاح، ۱۳۹۰: ۷۰). مهم‌ترین مرشدها و رهبران صوفی جنبش اسلامی داغستان عبارت‌اند از:

۱-امام منصور اشورمه‌ای: شیخ منصور فعال مذهبی و بنیانگذار نهضت اسلامی داغستان در قرن هجدهم میلادی محسوب می‌شود که با پیوند مبارزه دینی و ملی و به واسطه مقاومت در برابر روس‌ها در ۱۷۸۳-۱۷۸۵، به نخستین رهبر اسلامی قفقاز شمالی بدل شد. لزوم جهاد با کفار، مقابله با سیطره کفار، ضرورت وحدت و اخوت میان مسلمانان مهم‌ترین آموزه‌های منصور در جنگ مقدس ضد روس‌ها بود (براکساپ و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۲). شیخ منصور در اوایل دهه ۱۷۸۰ بیداری مذهبی را تجربه کرد و این الهام‌گیری مبدأ مبارزات سیاسی وی شد. ایشان در این باره آورده است: «هنگامی که چوپانی می‌کردم، محمد (ص) را در رؤیاهایم می‌دیدم. او به من می‌گفت باید مردم را به راه راست و مسیر پیامبر اسلام بازگردانم و اینکه پیامبری جز من نیست و تنها مهدی‌ای است که خواهد آمد» (زلکینا، ۱۳۹۰: ۹۱-۹۴).

روسیه شیخ منصور را دشمن درجه نخست و «شیاد و آلت دست عثمانی» تصور می‌کرد که ایده دولت اسلامی در داغستان را با حمایت ترک‌ها را در ذهن می‌پروراند و با توسل تام به کنش نظامی، هرگونه گفتگو با منصور را به عنوان «شیاد بی‌شرم» تحقیر امپراتوری تلقی می‌کرد. به رغم حمایت نسبی دولت عثمانی از فعالیت‌های ضدروسی وی، مقامات عثمانی به علت عدم خوشبینی نسبت به اصول عقاید نقشبندی او و پیروانش به عنوان رقیب اسلام سنی، با دیده احتیاط به وی می‌نگریستند. وقوع جنگ روسیه-عثمانی در سال ۱۷۸۷ و حمایت شیخ از ترکان عثمانی، سوء ظن روس‌ها به شیخ را افزایش داد و پس از تصرف قلعه آناپا توسط روس‌ها در ژوئن ۱۷۹۱ و به اسارت گرفته‌شدن منصور، ایشان به سن‌پترزبورگ تبعید و در زندان «سولوتیک» در جزایر دریای سفید درگذشت (فرهنگ و تاریخ، ۱۳۷۵: ۸-۱۰).

۲-قاضی ملا محمد: ملا محمد از مریدان محمد الیراقی است که همراه «شیخ شامل»، طریقت نقشبندیه را نزد «محمد افندی» تلمذ کرد و با پیوند نقشبندیه «سیاسی» و «روحانی» و تبدیل آن به یک جنبش سیاسی-مذهبی، به نخستین امام رسمی جنبش اسلامی داغستان تبدیل و بیش از ۳۰ سال بر قفقاز

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

شمالی تسلط یافت. ملامحمد به عنوان آغازگر نسل جدید رهبران جنبش اسلامی داغستان دریافت که موعظه فضائل شریعت بدون قدرت سیاسی بی‌حاصل است (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۵).

ملامحمد خواستار اجرای قوانین شریعت به جای نظام سنتی عرفی بود و ضمن انتقاد از نخبگان سیاسی-مذهبی حاکم، مقابله با زوال مذهبی و اغتشاش داخلی را به موازات تقابل با استعمار خارجی دنبال و غایت نهایی خود را تشکیل حکومت اسلامی در داغستان معرفی می‌کرد. قاضی محمد با تقبیح سنت‌های بومی و تشکیک در مشروعیت مقامات غیردینی، شریعت را اینگونه تنها منبع مشروعیت حکومت معرفی می‌نمود: «کسانی که بر اساس شریعت حکومت نمی‌کنند، کافر، ظالم و بدکار هستند» (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

ملامحمد در اوایل ۱۸۳۰ پس از معرفی به عنوان امام نقشبندیه و اعلام فرمان جهاد علیه کفار روس، خطاب به پیروانش اعلام کرد: «پس از آنکه کفار را از قفقاز بیرون ریختیم و مسکو را فتح کردیم، به استانبول خواهیم رفت و اگر سلطان را پیرو احکام شریعت یافتیم، کاری به کارش نخواهیم داشت و در غیر این صورت حکومتش به مؤمنین خواهد رسید» (فرهنگ و تاریخ،۱۳۷۵: ۱۰-۱۳). از توسعه فعالیت‌های نقشبندی در چچن، گسترش دامنه نهضت اسلامی به سواحل خزر و تصرف شهر دربند در ۱۸۳۱ و متحدساختن توقوم‌ها و جماعات کوهستانی شمال قفقاز در پرتو ساختار نقشبندیه به عنوان سه میراث ایشان یاد می‌شود.

۳-شیخ شامل: متولد ۱۷۹۷ در گیمراه، از مریدان و شاگردان قاضی محمد و سومین و مهم‌ترین رهبر صوفی داغستان در قرن نوزدهم بود که ماهیت مقاومت ضداستعماری اسلام‌گرایان داغستان در این قرن با نام وی گره خورده است. ایشان رهبری نهضت را در ۱۸۳۴ و در شرایطی برعهده گرفت که اعتبار نقشبندیه پس از کشتار عظیم روس‌ها تضعیف شده بود و شخص ایشان هم در اوایل از اعتبار و مقبولیت لازم نزد جامعه نقشبندیه برخوردار نبود.

شیخ شامل با تأکید بر لزوم برپایی قواعد شریعت به عنوان وظیفه مسلمانان، خود را به مانند امامان پیشین منصوب الهی معرفی می‌کرد، عادات و آداب جاهلی را از جامعه زدود، مدعی بود خداوند او را به عنوان پاسدار اصلی مسلمانان قفقاز شمالی برگزیده و خروج خود از منطقه گیمراه را به هجرت رسول اکرم از مکه تشبیه می‌کرد (زلکینا، ۱۳۹۰: ۲۲۰). شامل در راستای تحکیم قدرتش، از برخورد با روس‌ها در اوایل حکومت خودداری کرد و به رغم پیگیری راهبرد سازش با روس‌ها در اوایل حکومت، به علت عدم حصول نتایج مطلوب و مورد انتظار، به گزینه مقاومت روی آورد. شیخ به تدریج و با کسب

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

پیروزی‌های متعدد در شرق قفقاز از ۱۸۳۹ و پذیرش دعوتنامه‌های شامل توسط جماعات داخلی چچن، به مقتدرترین رهبر داغستان بدل شد. ایشان تا تثبیت قدرت به مثابه رهبر مذهبی شناخته می‌شد و از ۱۸۴۷ با صدور یک فرمان و محدودساختن صلاحیت قضایی نواب امام و واگذاری اقتدار مذهبی و قضایی ولایات به مفتیان و تعیین محتسب‌ها به عنوان پلیس مخفی، حاکمیت سیاسی خویش را بر سراسر داغستان بسط داد (زلکینا، ۱۳۹۰: ۲۵۱).

شامل برخلاف سایر رهبران صوفی علاوه بر مقابله با کفار روس، درصدد تشکیل دولت اسلامی برآمد و بر سه مبنای سه منبع تصوف، ساختار امپراتوری عثمانی (به عنوان مهم‌ترین متحد شامل) و ساختار حکومتی متمرکز (به تقلید از روس‌ها) به اصلاحات حکومتی، اصلاحات نظامی، ایجاد ساختار منظم برای قوای مسلح، ایجاد نظام اداری کارآمد و تحدید قدرت نخبگان و اصلاحات اجتماعی و طرح مفهوم شهروندی و لزوم پاسخگو بودن حاکم در برابر رعایا دست زد (رجبی،۱۳۷۵: ۶-۲۰). شیخ شامل تحت تأثیر تعالیم قاضی‌محمد، نظام سیاسی و اجتماعی موجود را به چالش کشید و با تشکیل ساختار سیاسی نوین مبتنی بر اصول سیاسی نقشبندی، امامت قفقاز را به نقطه اوج رساند و هدف از مجاهدت‌ها را اظهار دین حق عنوان می‌کرد:«از آغاز کارم تا انجام آن جز احیای شریعت محمدی (ص) و اجرای اصول و قوانین اسلام هدفی نخواهم داشت». جایگزینی قوانین شریعت به جای عرف و بسط نفوذ دین در داغستان سبب شد تا از دوران حاکمیت او با عنوان «دوران شریعت» و «دوران طلایی» یاد شود (زلکینا، ۱۳۹۰: ۱۲) که بازگشت به آن، هدفی برای همه مسلمانان واقعی پس از شامل بود.

اوج قدرت فرقه نقشبندیه و رهبر آن شیخ شامل در سال ۱۸۴۵ بود ولی در نهایت به علت قدرت لجستیکی روس‌ها، عدم حمایت دولت‌های همسایه به ویژه ایران و عثمانی از این جنبش، خستگی مردم قفقاز و نارضایتی نخبگان سیاسی-دینی از اصلاحات شامل، جنبش در ۱۸۵۹ شکست خورد، شیخ شامل به شهر کالوگا تبعید و در نهایت در سال ۱۸۷۱ در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع مدفون شد (براکساپ و دیگران،۱۳۷۷: ۱۳۳-۱۳۴). پس از درگذشت شیخ شامل و اشغال قفقاز شمالی به وسیله روس‌ها، داغستان و ایران و تحرکات جنبش نقشبندیه به فعالیت‌های زیرزمینی تبدیل و عمده مرشدان آن به ترکیه و مکه مهاجرت یا به سیبری تبعید شدند.

۴-شیخ اوزون حاجی: از رهبران فرقه نقشبندیه که در اوت ۱۹۱۷ در کنگره رهبران مسلمان در آندی به عنوان امام داغستان منصوب شد. ایشان به عنوان یک پان‌اسلامیست با رسالت احیای امامت، در ۱۹۱۹ و با همراهی نجم‌الدین گتزو، یک حکومت تئوکراسی را با نام «امارت قفقاز شمالی» بر اساس سنت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

امامت شامل تأسیس کرد و تحت ریاست اسمی سلطان عثمانی بر داغستان تسلط داشت (براکساپ و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۱۳). اشغال داغستان در دسامبر ۱۹۲۰ توسط ارتش سرخ اوزون حاجی و دیگر رهبران مسلمان داغستان را واداشت تا مردم را به جهاد با کمونیست‌ها زیر پرچم «لا اله إلا الله» فراخوانند. با مقاومت مسلمانان داغستان و فشار بر مسکو، استالین خودمختاری داغستان را به رسمیت شناخت و در ژانویه ۱۹۲۱ جمهوری سوسیالیستی داغستان شکل گرفت.

۵-ناظم‌الدین حسینسکی: در پاییز ۱۹۲۰ که ارتش سرخ روسیه جهت تصرف داغستان وارد این منطقه شد، نهضت مقاومت اسلامی - به رغم همکاری اولیه - به رهبری ناظم‌الدین حسینسکی در برابر آن‌ها به پا خاست و در اکتبر ۱۹۲۰ با اعلام جهاد علیه روس‌ها، خواستار خودمختاری کامل قفقاز به شکل یک جمهوری درون اتحاد جماهیر شوروی بود. مقاومت آن‌ها سبب شد استالین با ورود به این منطقه و شرکت در کنگره ملی داغستان، پیشنهاد تأسیس «جمهوری شوروی متحد کوهستان» را با خودمختاری وسیع مطرح کند. مجلس مؤسسان این جمهوری هم مشروط به پذیرش شریعت به مثابه پایه قوانین در این منطقه، حاکمیت شوروی را بر سرزمین‌های نظیر چچن، اینگوش و استیا را به رسمیت شناخت (براکساپ و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۹۱-۱۹۲).

۶-سعید افندی چیرکیسکی: مفتی ملی داغستان و پرنفوذترین شیخ صوفی در منطقه داغستان طی دو دهه اخیر محسوب می‌شود که بر مبنای سه طریقت صوفی نقشبندیه، شاذلیه و قادریه عمل می‌کرد و دست به پیوند دین و سیاست در داغستان زد. افندی که مسئولیت «دفتر امور معنوی مسلمانان داغستان» را عهده‌دار بود، در اوت ۲۰۱۲ طی یک عملیات تروریستی ترور شد. احمد حاجی عبدالله‌اف مفتی کنونی داغستان مرید سعید افندی محسوب می‌شود.

۲-۴. سلفی‌گرایی

قفقاز شمالی مهد خیزش اسلامی پس از فروپاشی شوروی است و عواملی نظیر تاریخچه منازعات منطقه‌ای، اقدامات نابجای حکومتی و تکثر قومیتی، جنبش‌های اسلامی منطقه را به سمت رادیکال‌شدن سوق داده است. از اواخر دهه هشتاد میلادی، متعاقب فروپاشی شوروی و شکل‌گیری فضای باز سیاسی و اجتماعی از یکسو و تحت حمایت عربستان سعودی از سوی دیگر، مسلمانان آسیای مرکزی به منظور احیای بافت هویتی-دینی خویش، درصدد نگاه دوباره به اسلام به مثابه عنصر هویتی آزادی‌بخش برآمدند. بنابراین، بروز سلفی‌گرایی در آسیای مرکزی و داغستان به شکل خاص محصول تقابل اسلام‌گرایی سنتی ملل آسیای مرکزی با هویت تحمیلی و فراگیر شوروی از اواسط دهه هشتاد میلادی است. به لحاظ

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

تاریخی، باید ریشه ظهور سلفیت در داغستان را در دهه هفتاد و آغاز فعالیت‌های تبلیغی-آموزشی وهابی در روستاهای داغستان جستجو کرد به گونه‌ای مدرسان مکاتب سلفی داغستان در دهه هفتاد نظیر بقاءالدین کبدوف و احمد حاجی اوختایف به رهبران سیاسی جریان سلفی در دهه نود تبدیل شدند (حسینی تقی‌آباد و کالیراد، ۱۳۹۴: ۹۷). نکته حائز اهمیت در باب جریان وهابی داغستان آن است که به رغم غیریت‌سازی آنان در برابر گفتمان اسلام سنتی ولی به سبب تکثر هویتی و قومیتی حاکم بر داغستان، هیچ‌گاه نمی‌توان آن‌ها را یک «جامعه یکچارچه و منسجم» تصور کرد (Ratelle,2020: 60).

سیاست‌های ضددینی افراطی بلشویک‌ها، رشد سریع جمعیت و تداوم نابرابری‌های اقتصادی، گسترش فساد نخبگان سیاسی حاکم و فقدان دولت متمرکز (Sagramoso,2007: 682)، پیوند منافع مقامات صوفی با سیاستمداران فاسد داغستان، ناکامی جریانات ملی‌گرا در بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی شهروندان از اواخر دهه ۱۹۸۰ (Sagramoso,2007: 694)، پیوند با تحولات اندیشه‌های جهان اسلام و آزادی تعامل با متفکران سلفی قفقاز و ورای آن و فرصت تحصیل در مدارس سلفی عربستان و پاکستان (Starodubrovskaya,2020: 87; Ware and Kisriev,2000: 26) مهم‌ترین علل ناامیدی از مدل توسعه لیبرال دموکرات غربی و از محرک‌های عمده در ترویج تفکرات سلفی در داغستان محسوب می‌شوند (Ware et.al,2003: 287-288; Sagramoso,2012: 568). مسلمانان این منطقه که در اثر هفتاد سال تسلط شوروی از ذهن جهان اسلام فراموش شده بودند، سعی داشتند همزمان با آغاز روند جهانی شدن در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی دوباره در صحنه هویتی جهان اسلام ظاهر شوند. در این شرایط، خلأ ایدئولوژیک-هویتی دوران پس از فروپاشی از یکسو و دیپلماسی فعال فرهنگی کشورهایی نظیر عربستان و ترکیه در کنار توسعه‌نیافتگی سیاسی-اقتصادی این منطقه از سوی دیگر، بستر مساعدی را جهت رواج اندیشه‌های افراطی سلفی فراهم نمود (Sagramoso,2012: 568-569). بنابراین، سلفیت که از دهه هفتاد و هشتاد در داغستان ریشه دوانیده بود، متعاقب اجرای پروستریکا، تجمعات و فعالیت‌های پراکنده پنهانی خود را به عرصه آشکار اجتماعی منتقل کرد.

در این چارچوب، مبلغان سلفی از فضای سرگردانی اجتماعی حاکم بر جمهوری‌های بلاتکلیف بازمانده از نظام متمرکز شوروی و همچنین تکثر قومی و زبانی آن‌ها جهت ترویج ایدئولوژی وهابی بهره بردند. پس از فروپاشی شوروی، وزارت دادگستری روسیه رسما مجوز فعالیت چندین سازمان و بنیاد اسلامی از جمله اتحادیه جهان اسلام و بنیاد الحرمین را صادر کرد که عمده آن‌ها دارای گرایشات یا وابسته به جریانات سلفی سعودی، ترکیه و پاکستان بودند. این روند در اواخر دهه نود میلادی به حدی رسید که

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

در سال ۲۰۰۰، حدود ۱۸۵۸ مسجد (در قیاس با ۲۷ مسجد دوران شوروی) بیش از ۲۰ بنیاد اسلامی، ۲۰۰ مدرسه دینی و هزاران مکتب در سراسر قفقاز شمالی یافت می‌شد (Eaton,2005: 62).

جریانات وهابی داغستان نسبت به دولت مرکزی و ادارات دینی-دولتی واگرا بوده و متوسل به کنش‌های خشونت‌آمیز جهت دستیابی به غایات خویش هستند و ضمن باور به عدم مشروعیت دولت‌های سکولار حاکم و کافرخواندن آنان، مخالفت تام با اسلام دولتی دارند و خروج روسیه از منطقه و تأسیس دولت اسلامی مبتنی بر قواعد شریعت مهم‌ترین مطالبه آنان را تشکیل می‌دهد (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۸۵-۱۸۶، ۲۱۳). سلفیون داغستان با منحرف نامیدن پیروان مکاتب صوفیه و بدعت خواندن توسل، اذکار و زیارات آنان و حکم به خروج اهالی طریقت از دایره دین، درصدد اعاده تقدس نخستین اسلام و تبلیغ مبانی اسلام ناب جهت بسترسازی تشکیل حکومت اسلامی در این منطقه هستند (حسینی تقی‌آباد و کالیراد، ۱۳۹۴: ۱۱۲؛ Sagramoso,2007: 695). آذری‌ها، روس‌ها و لزگین‌های داغستان، وهابیون را تندرو ولی چچن‌ها، آوارها و دارگین‌ها، وهابیان را بخشی از اسلام سنی معرفی می‌کنند. همچنین، شهرنشینان، زنان و افراد میانسال، وهابیت را تهدید جدی قلمداد می‌کنند. بنابراین، نوع نگاه طبقات گوناگون جامعه داغستان به روسیه و تمایل یا عدم تمایل به استقلال‌طلبی از روسیه از یکسو و میزان آشنایی با ظواهر مدرنیته از سوی دیگر، در نوع نگاه شهروندان به کیفیت کنشگری جریانات سلفی در داغستان تأثیر مستقیم دارد (Ware et.al,2003: 294).

برآوردها حکایت از جمعیت سه تا ده هزار نفری وهابیون داغستان دارد. وهابیون کمتر از ۳ درصد مسلمانان داغستان را تشکیل می‌دهند، پایگاه اجتماعی آن‌ها عمدتا روستاییان و برخی جوانان تحصیلکرده شهری می‌باشد. تفرقه‌افکنی و افراط‌گرایی، روحیه خشونت‌طلبی و نظامی‌گری، غیریت‌سازی با مکاتب سنتی صوفی، کفرپنداری و مخالفت با دولت‌های حاکم با ماخاچ‌قلعه و مسکو (Ware and Kisri-ev,2000: 26)، عدم پیروی از مقامات رسمی و دخالت در جریان‌های سیاسی مهم‌ترین مختصات کنشگری وهابیت در منطقه داغستان است. مذهب شافعی اکثریت جامعه، گرایشات صوفی و رفتارهای نامناسب وهابیان با مفتیان صوفی منطقه از موانع کسب حمایت مردمی جنبش وهابیت در داغستان بوده است (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۶).

جریان سلفی داغستان پس از فروپاشی شوروی کوشید جایگاه خود را به مثابه اسلام غیررسمی تثبیت، و ضمن نهادسازی از طریق تأسیس احزاب و مؤسسات اجتماعی، به منظور خروج از انزوا با جریانات سلفی منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباط بگیرد (حسینی تقی‌آباد و کالیراد، ۱۳۹۴: ۱۱۲). گروه

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

جماعت شریعت مهم‌ترین گروهک مسلح سلفی داغستان محسوب می‌شد که با صدور بیانیه استقلال از داغستان در سال ۱۹۹۸، همگرایی فزاینده جریانات وهابی داغستان و چچن را دنبال می‌کرد (معینی‌فر و خیری،۱۳۸۹: ۱۶۵). باسایف اقدامات ائتلاف سلفیون داغستان-چچن را مصداق "جهاد" و جنگ مقدس برای بیرون راندن کفار از سرزمین اسلام عنوان می‌کرد که پس از قریب به سیزده قرن، این اتفاق در حال وقوع است. او هدف از این جهاد را تأسیس "جمهوری اسلامی" و متعاقب آن امپراتوری بزرگ اسلامی چچن در چچن، داغستان و اینگوشتیا برمی‌شمرد و حتی برخی فرماندهان او نظیر مولادی اودوگوف با بیان اهداف فراملی، جنگ را نه تنها علیه مسکو بلکه در مقابل صهیونیسم جهانی معرفی و غایت نهایی را "آزادسازی قدس" عنوان می‌کردند (Sagramoso,2007: 697-698). با حمله نیروهای دولتی داغستان در سپتامبر ۱۹۹۹ و تصرف سه روستای کادار، کراماخی و چابانماخی تحت حاکمیت این گروهک، جماعت اسلامی داغستان از بین رفت ولی گسترش ایدئولوژی سلفی در داغستان تداوم یافت.

گروه جماعت شریعت بازمانده گروه کوچک‌تری به نام «جنت» است که در اواخر دهه نود میلادی توسط رسول ماکاشاریپوف تأسیس شد. این گروهک که شامل باسایف را خلیفه خود می‌دانست، از بین بردن فرماندهان ارشد نظامی داغستان را مهم‌ترین هدف خویش اعلام کرد. در سال ۲۰۰۴ و پس از تجدید ساختار گروه جنت، گروهک جماعت شریعت تأسیس شد و در سال ۲۰۰۵ هم با عضویت در جبهه مجاهدین قفقاز شمالی، به مقابله رسمی با نیروهای روس پرداخت. مؤسس گروه جماعت شریعت «بقاء الدین کبدوف» نام دارد که از او با عنوان آغازگر وهابیت در داغستان یاد می‌شود و هجمه به افکار التقاطی جماعت‌های صوفی و منحرف‌نامیدن آن‌ها را دستورکار تبلیغی خویش قرار داده است.

مهم‌ترین گروه وهابی داغستان، گروهک «ولایت داغستان» نام دارد. این گروهک پیش‌تر با عنوان «جماعت شریعت» شناخته می‌شد و بزرگ‌ترین عضو جبهه مقاومت قفقاز شمالی قلمداد می‌شود که با گروه‌های جدایی‌طلب چچن و اینگوش پیوند نزدیکی دارد. این گروهک تأسیس امارت اسلامی، ایجاد جامعه عادلانه مبتنی بر قواعد شریعت، تصاحب قدرت سیاسی و اخراج نظامیان روس از داغستان را اهداف بنیادین خود برمی‌شمارد (Vatchagaev,2008) و بهره‌گیری از روش‌های خشونت‌آمیز نظیر ترور روحانیون وابسته به حکومت را در نیل به اهداف مذکور، مشروع می‌پندارد.

حضور در مناقشات فرامرزی از جلوه‌های کنشگری وهابیون داغستان طی یک دهه اخیر بوده است. بر اساس برآورد گروه مطالعاتی صوفان در دسامبر ۲۰۱۵، حدود ۳۰ هزار سلفی از سراسر جهان به سوریه

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

اعزام شده‌اند که حدود ۴۷۰۰ تن از شهروندان جمهوری‌های شوروی سابق هستند. این «تروریست‌های خارجی[1]» که سابقه جنگ در داغستان، افغانستان، چچن و گرجستان را در کارنامه داشتند و از آن‌ها به عنوان «جنگجویان نخبه[2]» یاد می‌شد، عهده‌دار مناصب عالی در ساختار داعش، جبهه النصرة و سایر گروه‌های تروریستی فعال در این کشور بودند و نقش مؤثری در پیشبرد سیاست‌های میدانی و راهبردی این گروهک‌ها ایفا می‌کردند و حتی گروهی با عنوان «جیش المهاجرین و الأنصار» را در بیعت با القاعده پدید آوردند که بیش از یک‌سوم آن‌ها از اهالی قفقاز و رهبری آن برعهده عمر الشیشانی بود (Nicolson,2017: 70-72,78). بر اساس برآورد وزارت امور جوانان داغستان در سال ۲۰۱۵، ۸/۱ درصد از جوانان این منطقه آماده پیوستن به داعش بودند و حدود ۱۵ درصد هم داعش را مظهر خلافت واقعی اسلامی می‌دانستند (Zhemukhov, Markedonov and Yarlykapov,2018: 204). باور به ترویج اسلام و مقابله با کفار، آرمان تأسیس دولت اسلامی، وجوب دینی تنفیذ فریضه جهاد و حضور مبلغان وهابی در داغستان، عامل عمده در گرایش فزاینده جوانان سلفی این منطقه به جهاد فراتر از قفقاز شمالی بوده است (Sagramoso and Yarlykapov,2020: 42).

از آغاز گسترش وهابیت، دولت محلی داغستان به منظور حفظ هویت و یکپارچگی ملی و بهره‌گیری از اسلام به مثابه ستون میراث ملی و شالوده اخلاقی شهروندان منطقه، حمایت غیررسمی خویش را از اسلام سنتی اعلام کرده است. هیئت حاکمه داغستان گرچه اختلاف وهابیت و صوفیه را یک اختلاف ایدئولوژیک معرفی و از آن فاصله گرفت ولی به تدریج تقویت جریانات صوفی را ضامن بقای خود و تضمین امنیت جنوب روسیه دید و ضمن حمایت از روحانیون نقشبندی، به مقابله همه‌جانبه با سلفیون و حامیان منطقه‌ای آن‌ها پرداخت (معینی‌فر و خیری،۱۳۸۹: ۱۶۱).

علاوه بر آن، دولت محلی داغستان و دولت روسیه به منظور کنترل فعالیت این گروهک، تمایل خود را برای مذاکره با آن‌ها اعلام کرده‌اند. مهم‌ترین مطالبه رهبران این گروهک در مذاکرات، خروج نیروهای روس از داغستان و ارائه تضامین امنیتی بود (حسینی تقی‌آباد و کالیراد،۱۳۹۴: ۱۲۱). علاوه بر آن، از اواخر سال ۲۰۱۵، دولت داغستان با همکاری اداره امور معنوی مسلمانان این منطقه بسیاری از عناصر سلفی را دستگیر و مساجد آن‌ها را تعطیل کرده است.

جرم‌انگاری کنش‌های افراطی وهابیون از دیگر اقدامات دولت مسکو و داغستان جهت مقابله با رشد سلفیت در منطقه بوده است. پس از حمله باسایف و خطاب به داغستان در تابستان ۱۹۹۹، موج

1. Foreign Terrorist Fighters
2. Elite Fighters

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

گسترده‌ای از تهدیدانگاری وهابیت و مقابله حقوقی - اجتماعی با آن در سطح داغستان پدید آمده است. مجلس محلی داغستان در سپتامبر ۱۹۹۹ و در روز اعلام پایان چچن، قانون «ممنوعیت فعالیت وهابیت و سایر گروه‌های افراطی در داغستان» را تصویب کرد (Ware et.al,2003: 290) و اداره امور دینی داغستان[1] با همراهی پلیس، از انتشار کتب آن‌ها جلوگیری نمود. به علاوه، دولت داغستان فعالیت بخش زیادی از سازمان‌های سلفی را ممنوع نمود و دست به دستگیری رهبران آن‌ها زد (Sagramoso,2007: 702). دولت روسیه هم با وضع «قانون فدرال پیرامون مقابله با افراطیون» مصوب سال ۲۰۰۲، اقدام به جرم‌انگاری فعالیت‌های وهابیون افراطی در سراسر چچن کرد. با این حال، مبارزه نظامی-سیاسی-حقوقی با وهابیت در داغستان مستلزم مقابله ایدئولوژیک با عوامل موجد آن در این منطقه و قطع نفوذ حامیان فرامنطقه‌ای آن است ولی پراکندگی جمعیتی وهابیون، ادغام در ساختار اجتماعی و ماهیت دموکراتیک نظام سیاسی داغستان، مقابله مؤثر و عمیق با آن‌ها را دشوار ساخته است.

۳-۴. اقلیت شیعه:

شیعیان به عنوان اقلیت دینی داغستان با جمعیت حدود هشتاد هزار نفری، عمدتا مهاجران آذری هستند که با سکونت در شهر دربند (پنجاه هزار نفر) و برخی نواحی ماخاچ‌قلعه، کمتر از یک درصد جمعیت داغستان را تشکیل می‌دهند. اغلب شیعیان داغستان، از بازماندگان پارسیان دربند به شمار می‌آیند که عمده آن‌ها آذری یا لزگی هستند و ایرانی‌ها، شاهسون‌ها و طالش‌ها از دیگر اقوام شیعه منطقه محسوب می‌شوند (حسینی و شکری‌مقدم، ۱۳۹۵: ۵۹).

دربند تنها شهر شیعه‌نشین روسیه و داغستان و کانون فعالیت‌های دینی - اجتماعی شیعیان داغستان محسوب می‌گردد که با تکلم عمده شهروندان آن به زبان آذری و گرایشات مردمان آن به کشورمان، همچنان رکن مهمی از تمدن ایرانی در منطقه قفقاز شمالی قلمداد می‌گردد. عیسی عسکرف و پسرش فریز عسکرف از رهبران پیشین شیعیان، سید هاشم میرطیب‌اف رهبر کنونی شیعیان و مرکز پژوهشی اهل‌بیت به ریاست دکتر نوری محمدزاده رئیس گروه ایرانشناسی دانشگاه دولتی داغستان مهم‌ترین نهاد تبلیغی شیعه در این منطقه به حساب می‌آیند. مرکز پژوهشی اهل‌بیت تحت حمایت مجمع جهانی اهل‌بیت در سال ۱۳۸۶ تأسیس شد که ضمن پژوهش درباره مسائل اسلامی و اجرای مراسمات فرهنگی-دینی، ماهنامه معرفتی - مذهبی کوثر را با شمارگان هزار نسخه منتشر می‌سازد (حسینی و شکری‌مقدم، ۱۳۹۵: ۶۳).

به لحاظ تاریخی، همزمان با جهاد دینی صوفیان اهل تسنن داغستان علیه روس‌ها، شیعیان رکن

1. Spiritual Board of Muslims of Dagestan (DUMD)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

دیگری از این مبارزه را تشکیل می‌دادند. برخلاف کنش سیاسی صوفیان که مبتنی بر قیادت امام صوفی عصر و در یک چارچوب ساختارمند بود، مبارزات شیعیان به شکل مقاومت فردی و پراکنده و هجرت صورت می‌گرفت. همچنین پس از پایان دوره نخست جنگ‌های ایران و روس و تسلط دولت ترازی بر قفقاز، شیعیان منطقه اخباری از تعرض روس‌ها به عرض و ناموس مسلمانان و ایذاء و اضرار آنان در باب «دین و مذهب ملت» را به علماء و مراجع مخابره کردند که برخی از مجتهدان عصر نظیر آقا سید محمد مجاهد را به صدور فتوای جهاد و اقدام عملی برانگیخت. بنابراین، پس از استیلای دولت روسیه بر حوزه شیعه‌نشین قفقاز، شیعیان با ارسال شکوائیه و عریضه برای مراجع شیعه، خواستار یاری برای اخراج متجاوزان روس از وطن مألوف خود شدند (مرشدلو، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

از جمله چالش‌های مسکو در دوران اشغال قفقاز، کیفیت سازماندهی امور دینی و معیشتی شیعیان منطقه بود. تبعیت فقهی عمده شیعیان منطقه از مراجعه شیعه مستقر در ایران و عراق و تعلق خاطر آن‌ها به مظاهر تمدن ایرانی نظیر زبان فارسی می‌توانست تهدیدی جدی برای پایگاه شکننده حکومت روس‌ها در قفقاز باشد. در نتیجه، تزارها با تلاش برای تعیین «شیخ‌الاسلام مخصوص» به عنوان نماینده دولت مسکو برای شیعیان منطقه، ضمن قطع ارتباط آنان با شیخ‌الاسلام‌های ایرانی در آن سوی مرز، مرتکب آن را خائن و عاصی و مشمول «غضب قانونی» می‌دانستند. بنابراین، اعمال فشار بر شیعیان قفقاز از جمله داغستان و تضعیف ارتباط معنوی آنان با زعمای شیعه به ویژه در حوزه نجف و قم در کنار سرکوب مبارزات فردی آنان، راهبرد دولت مسکو در قبال اقلیت شیعه منطقه بود (مرشدلو، ۱۳۹۴: ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۷). تضعیف نفوذ معنوی ایران میان شیعیان منطقه و هماهنگ ساختن رفتار دینی و سیاسی آن‌ها با سیاست‌های استعماری روسیه در قفقاز دو هدف عمده مسکو از کنش‌های تهاجمی مذکور محسوب می‌شد. به لطف این سیاست‌های روسیه علیه شیعیان، هیچ‌گاه همگرایی حداقلی میان اقلیت شیعه با جنبش امامان صوفی داغستان برقرار نشد بلکه بالعکس حتی آنان را به جنگیدن به نفع حکومت تزاری ترغیب نمود، علمای شیعه منطقه را جذب کرد و با سازماندهی آنان درون یک نظام اداری جدید، از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی رهبران شیعه در راستای منافع منطقه‌ای مسکو در قفقاز بهره گرفت (مرشدلو، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

عدم مزج در هویت ملی روس همچنان یکی از نقاط تمایز شیعیان روسیه از جمله داغستان به حساب می‌آید. دین و فرهنگ اسلامی، نژاد و ظاهر غیرروس، تاریخ تقابلی مسلمانان و روس‌ها، وضعیت معیشتی پایین‌تر در قیاس با فرهنگ روسی مسلط، فرهنگ سنتی-روستایی مناطق مسلمان‌نشین و در یک معنا، وابستگی‌های جغرافیایی، زبانی، دینی، مذهبی و فرهنگی، ارتباطات شیعیان را با دیگر اقوام منطقه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

به حداقل رسانده است (حسینی و شکری‌مقدم،۱۳۹۵: ۶۵). با این اوصاف و به رغم توسعه ارتباطات اجتماعی از طریق زیرساخت‌های تکنولوژیک، پیش‌بینی‌ها از تداوم سطح کنونی ارتباطی شیعیان با اهل‌سنت ساکن داغستان و دولت مرکزی مسکو حکایت دارد.

۵. مهم‌ترین احزاب، گروه‌ها و جریانات اسلام‌گرا در داغستان

موجودیت‌های سیاسی فعال در داغستان اغلب گروه‌های فعال در امور اجتماعی هستند که به علت تصریح قانون اساسی داغستان بر ابتنای نظام سیاسی این منطقه بر ارزش‌های دموکراتیک، تدریجا به کنشگری سیاسی پرداخته‌اند. این موجودیت‌ها که پس از سیاست پروستریکا از سال ۱۹۹۰ فرصت بروز یافته‌اند، به دو دسته احزاب منتسب به مکاتب صوفی و احزاب رادیکال وابسته به جریانات سلفی قابل تقسیم هستند. احزاب سنتی وابسته به طریقت‌های صوفی به علت ساختار سلسله‌مراتبی طریقتی و بهره‌مندی از پشتیبانی مردمی در مقایسه با جریانات سکولار، عمدتا پیروز مطلق انتخابات هستند. مخالفت با حکومت کمونیستی در دوره حاکمیت بلشویک‌ها، چالش سیاسی و امنیتی با روسیه منبعث از تضاد هویتی، برخورداری از تشکیلات سازمانی و یکپارچگی ساختاری به ویژه در جماعت المسلمین وجه بارز عمده این گروه‌ها به حساب می‌آید. مهم‌ترین این گروه‌ها ذیلا مورد تدقیق قرار می‌گیرند:

الف-حزب رستاخیز اسلامی: حزب رستاخیز اسلامی مهم‌ترین موجودیت سیاسی سلفی میانه‌رو در داغستان است که پس از "کنگره مسلمانان غیررسمی" در آستاراخان در سال ۱۹۹۰ اعلام موجودیت کرد. بقاءالدین محمد رهبر مرکز اسلامی قفقاز در ماخاچ‌قلعه و برجسته‌ترین رهبر حزب رستاخیز اسلامی به حساب می‌آید. این گروه ضمن حمایت از تحولات بنیادین در جامعه، خواستار تشکیل "جمهوری اسلامی" در داغستان است (Ware et.al,2003: 287-288).

این حزب موضع افراطی نسبت به اصلاحات سیاسی و اجتماعی دارد و با برگزاری نشست‌های ضدکمونیستی در اواخر دهه هشتاد میلادی به ویژه سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱، نقش فعالی در سیاسی کردن مسلمانان داغستان ایفا کرد. احمد کادی اوختایف از رهبران میانه‌رو سلفی و عضو برجسته حزب رستاخیز به حساب می‌آمد که به تأسی از «حزب رستاخیز اسلامی تاجیکستان» و با کمک عباس و بقاءالدین کبدوف جماعت مشابهی را در داغستان تأسیس کرد. مرگ او در سال ۱۹۹۸، قدرت را به جناح تندرو سلفی در داغستان به رهبری بقاءالدین و عباس کبدوف منتقل کرد و به موازات جنگ اول چچن، نقطه عطفی در ظهور گرایشات رادیکال سلفیون منطقه بود (Sagramoso,2012: 570).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

ب-جماعت المسلمین: این جنبش در سال ۱۹۹۲ توسط «حسب اللّه حسب اللّه اف» قاضی نواحی دارگین تأسیس شد. این گروه با توجه به ایدئولوژی سلفی، همکاری نزدیکی با حزب نهضت اسلامی دارد. حسب‌الله اف رهبر این حزب هم با برخورداری از روحیه رادیکال و افراطی، محوبیت فراوانی را نزد افکار عمومی داغستان کسب کرده است. این حزب اکنون دو هزار عضو دارد و بدنه اجتماعی آن را ساکنان مناطق روستایی تشکیل می‌دهند (خالدوف، ۱۳۷۲: ۱۳۴).

ج-حزب دموکرات اسلامی: این حزب به عنوان بزرگ‌ترین گروه اسلامی داغستان با حدود چهار هزار عضو، پس از فروپاشی شوروی در اکتبر ۱۹۹۰ توسط «عبدالرحمن سعیدوف» پایه‌گذاری شد. درویش محمدوف و ابوبکروف از دیگر رهبران برجسته آن هستند. بدنه اجتماعی این حزب را عمدتا مسلمانان سنت‌گرا به ویژه پیروان طریقت نقشبندی تشکیل می‌دهند (گلی زواره،۱۳۸۷: ۱۳). به رغم ضعف این حزب در کنشگری سیاسی ولی این نهاد در عرصه اجتماعی نظیر دیپلماسی عمومی، حل و فصل مناقشات قومی، آموزش‌های دینی و اعزام حجاج داغستانی نقش مؤثری دارد.

٦. جنبش اسلامی داغستان و انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی به عنوان تنها انقلاب دینی قرن بیستم، نقطه عطفی در آگاهی و تجدید حیات مسلمانان و احیای جنبش‌های اسلامی سراسر جهان بود که جنبش‌های اسلامی آسیای مرکزی و در رأس آن جنبش اسلامی داغستان مستقیم یا غیرمستقیم از آن تأثیر پذیرفتند. انقلاب اسلامی با اتکا به عقیده مشترک توحیدی، وجود دشمن مشترک استکباری و استبدادی و هدف مشترک تأسیس نظام عادلانه جهانی، پیوند تام با جنبش‌های اسلامی معاصر برقرار کرد (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۱-۱۴۲).

ریشه‌های تاریخی-تمدنی و اشتراکات فرهنگی، اشتراک عقیده و منافع با اکثریت مسلمان صوفی جهت مقابله با سلفیت، گرایشات اسلام‌گرایانه شهروندان و احزاب داغستان، نگاه ایجابی و احترام‌آمیز به ایران و عدم حساسیت نسبت به فعالیت‌های کشورمان و قرابت جغرافیایی سبب الهام‌گیری اهل سنت داغستان از آرمان‌های انقلاب اسلامی شد. این پیوند با انقلاب اسلامی نه سیاسی-جنبشی بلکه فرهنگی-هویتی بود. در باب تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جمهوری‌های قفقاز باید دو مرحله را مورد بررسی قرار داد:

۱-از پیروزی انقلاب اسلامی تا فروپاشی شوروی: ماهیت اسلامی انقلاب ایران، چهره ضدامپریالیستی آن و کاریزمای شخصیت امام خمینی نگرانی مقامات شوروی را از انتقال اندیشه‌های سیاسی-دینی انقلاب

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

اسلامی به جوامع آسیای مرکزی را افزایش داد. مسلمانان داغستان با مشاهده مقاومت نهضت امام خمینی در برابر آمریکا به عنوان یک از قطب‌های جنگ سرد، جسارت اعلام مخالفت با دولت کمونیستی حاکم بر مسکو را پیدا کردند هرچند این مخالفت به علت فقدان سازماندهی و رهبری واحد به کنش‌های ملموس اجتماعی نیانجامید. با این حال، این نگرانی را نزد رهبران شوروی به وجود که ممکن است در جنوب این کشور، یک اتحادیه اسلامی ضدکمونیستی مرکب از ۳۰ میلیون مسلمان به وجود بیاید که گرچه در آغاز محلی و محدود است ولی به تدریج قادر به تصرف بسیاری از مناطق استراتژیک جنوب روسیه است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۳۵). ذکر این ملاحظه ضروری است که هرچند انقلاب اسلامی در رشد اندیشه‌های انقلابی در منطقه بی‌تأثیر نبود ولی هیچ‌گاه درصدد گسترش اسلام‌گرایی رادیکال و گسترش افکار سلفی در قفقاز برنیامد (عباسی و جعفرزاده کوچکی، ۱۳۹۵: ۹۲-۹۳).

۲-مرحله پس از فروپاشی شوروی: پایان برنامه‌های نوسازی کمونیستی متعاقب فروپاشی حکومت بلشویک‌ها و تشکیل جمهوری خودمختار داغستان بر اساس قانون اساسی ۱۹۹۳ فدراسیون، آغاز امواج اسلام‌گرایی و هویت‌یابی در شمال قفقاز و خروج از انزوای فرهنگی-سیاسی مسلمانان این منطقه را به دنبال داشت. با تجدید حیات هویت اجتماعی دین، اسلام‌گرایان داغستان به تحرکات جدی جهت پالایش هویت و تمدن اسلامی در این منطقه روی آورده و اسلام به عنوان ایدئولوژی جایگزین سوسیالیسم در این منطقه معرفی شد و جماعات متعدد سیاسی با استناد به آموزه‌های اسلام سنی در داغستان ظهور یافتند.

فضای باز سیاسی پس از فروپاشی در جمهوری‌های سابق شوروی، بستر مساعدی را برای گسترش دیپلماسی عمومی-فرهنگی توسط دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود. ایران در فضای دوران پسا جنگ سرد می‌کوشید از یکسو با تقویت وحدت اسلامی در منطقه، از گسترش گرایشات رادیکال جلوگیری به عمل آورد و از سوی دیگر به کشورهای منطقه جهت بازیابی میراث اسلامی خود کمک کند و به نوعی از خلأ ایدئولوژیک ناشی از فروپاشی شوروی جهت ترویج اسلام‌گرایی معتدل در داغستان بهره ببرد.

با این حال، هراس آمریکا و روسیه از توسعه نفوذ معنوی ایران در منطقه، سبب بزرگنمایی «تهدید اسلامی» در سراسر آسیای مرکزی گردید (کولائی، ۱۳۸۴: ۲۱۴) و توسعه فعالیت گروه‌های سلفی در قفقاز هم رویکرد ضداسلامی سران منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای را تشدید نمود. در این دوران به رغم فضای مساعد جهت حضور فرهنگی ج.ا.ا در این منطقه ولی کنشگری ج.ا.ا در مقایسه با رقبای منطقه‌ای

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

به ویژه ترکیه و عربستان بازتاب بیرونی نیافت و رویکرد اسلام‌گرایی شیعی ایران مورد پذیرش نخبگان و افکار عمومی ملل شمال قفقاز قرار نگرفت.

به طور کلی، سه دیدگاه عام در باب رابطه انقلاب اسلامی با جنبش‌های اسلامی آسیای مرکزی قابل تبیین است: الف-رویکرد ایدئولوژیک مبتنی بر اسلام با تأکید بر مشترکات دینی و عقیدتی نظیر تأسیس دولت اسلامی و مقابله با استعمار خارجی با هدف همگرایی فزاینده فرق اسلامی ب-رویکرد فرهنگی با تأکید بر مشترکات فرهنگی و زبانی: در این نگاه، منطقه قفقاز از جمله داغستان به عنوان بخشی از حوزه تمدنی و فرهنگی سنتی ایران مورد توجه واقع می‌شود و تأکید بر اشتراکات زبانی و فرهنگی با شیعیان منطقه در رأس اولویت‌ها قرار می‌گیرد. ج-رویکرد عمل‌گرایی با تأکید بر ملاحظات سیاسی: در این رویکرد، ج.ا.ا می‌کوشد با تقویت همگرایی دینی و فرهنگی با جنبش‌های دینی قفقاز، آن‌ها را در احیای میراث هویت اسلامی یاری کند. جمهوری اسلامی ایران طی دهه اخیر و با توجه به تضاد منافع با آمریکا، مخالفت نخبگان آسیای مرکزی با اسلام‌گرایان سیاسی و درک نگرانی‌های روسیه در باب حوزه نفوذ سنتی خویش در آسیای مرکزی، رویکرد سوم را با لحاظ برخی جوانب رویکرد دوم اتخاذ نموده است. فقدان اشتراک مذهبی با اکثریت سنی داغستان، اختلافات شیعه-سنی و نگرانی‌های امنیتی-هویتی روسیه در باب نفوذ فرهنگی سایر کشورها از جمله علل اتخاذ راهبرد فوق بوده است.

بر اساس رویکردهای مذکور به نظر می‌رسد که گفتمان انقلاب اسلامی با توجه به سیاست خارجی مکتبی خویش و با اتکا به اصولی نظیر اصل دعوت، دفاع از حقوق مسلمانان و حمایت از مستضعین در مقابل مستکبرین، به منظور نفوذ مؤثر در جنبش‌های اسلامی شمال قفقاز از جمله داغستان، نیازمند تأکید توأمان بر اشتراکات دینی، معتقدات شیعی در مناطقی نظیر دربند و انگاره‌های مشترک فرهنگی و تمدنی با ساکنان داغستان است. بر این مبنا، مهم‌ترین پیشنهادات جهت حفظ و تداوم نفوذ فرهنگی گفتمان انقلاب اسلامی در داغستان و انتقال تصویر انقلابی-ایرانی کشورمان ذیلا بیان می‌گردد:

۱-تقویت ارتباطات آکادمیک، فعال‌سازی رایزنی فرهنگی ایران در مسکو و افتتاح مراکز فرهنگی ج.ا.ا در دو شهر ماخاچ قلعه و دربند

۲-پرهیز از سیاست شیعه‌سازی اهل سنت ساکن این منطقه به موازات گسترش ارتباطات مردمی با شیعیان دربند از طرق مختلف نظیر ارسال سخنران برای آذری‌زبانان شیعه ساکن در آن

۳-تعامل فزاینده با طریقت‌های صوفی: گرایشات اسلام‌گرایی معتدل آن‌ها، مخالفت شبکه‌های طریقتی با جنبش‌های وهابی، ریشه ایرانی بسیاری از طریقت‌های تصوف قفقاز نظیر طریقت نقشبندیه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

و کاربرد زبان فارسی میان آن‌ها در کنار قرابت عقیدتی باورهای اهل سنت داغستان به معارف تشیع نظیر حب اهل بیت (ع) بر دامنه اشتراکات طریقت‌های صوفی داغستان با کشورمان می‌افزاید (طاهری و هاشمی‌نسب،۱۳۸۸: ۲۱۲). با عنایت به این مشترکات نظیر ارادت تام اهل‌سنت صوفی به امیرالمؤمنین، ترویج اشعار عرفانی شیعی در قالب زبان فارسی و انتشار آن‌ها در قالب مجلات راهکار مناسبی جهت آشناسازی آن‌ها با معارف شیعه خواهد بود. یکی از تهدیدات رابطه متقابل ایران شیعی با طریقت‌های صوفی، کوشش دولت‌های منطقه‌ای به ویژه ترکیه میان مکاتب تصوف جهت ترویج پان‌ترکیسم و ادبیات ترکی و نابودی ریشه‌های تمدن ایرانی میان آن‌هاست که مقابله با آن از الزامات سیاست خارجی تهران در این منطقه خواهد بود (طاهری و هاشمی‌نسب،۲۳۷:۱۳۸۸-۲۳۸). بنابراین، تأکید بر ریشه ایرانی رهبران مکاتب صوفی، تهدید مشترک وهابیت و اشاره به مشترکات عقیدتی تشیع و تصوف می‌بایست در دستور کار کشورمان در تعامل با این طریقت‌ها قرار گیرد.

۴-توسعه همگرایی فرهنگی با تأکید بر مشترکات و پایه‌های هویتی مشترک با اقداماتی نظیر اعطای فرصت‌های مطالعاتی، تبادل هیئت‌های فرهنگی و ترجمه و چاپ کتب اسلامی در داغستان

۵-معرفی و تقویت مؤلفه‌های تمدن ایرانی-اسلامی کشورمان نظیر برگزاری جشنواره نوروز، جشنواره‌های سینمایی و ادبی با محوریت نمایش مظاهر تمدنی ایران از دریچه انقلاب اسلامی

۷. اثرگذاری جنبش اسلامی داغستان بر محیط امنیتی آسیای مرکزی

اسلام‌گرایی در داغستان هرچند به تأسیس دولت مستقل نیانجامید ولی یک جمهوری خودمختار ذیل حاکمیت مسکو و برخی بازیگران غیردولتی نظیر گروه تروریستی ولایت داغستان را پدید آورد که تهدیدی برای روسیه و منطقه امنیتی آسیای مرکزی قلمداد می‌شود.

ارزیابی‌های حکایت از آن دارد در صورت عدم مقابله مؤثر با جریانات سلفی داغستان، خطر گسترش وهابیت به دو جمهوری اوستیای شمالی و اینگوش در آینده بلندمدت دور از انتظار نیست و جریانات سلفی منطقه، تمرکز خود را از جهادهای فراملی به مقابله با کفر دولت مسکو معطوف کنند. به عنوان مثال، عمر الشیشانی رهبر امارت قفقاز در مصاحبه با نشریه نگاه جهانی، علت بنیادین جهاد در سوریه را در کنار اجرای (به اصطلاح) فریضه دینی، «تمرین، کسب آمادگی و تجربه» برای جنگ با روسیه در قفقاز شمالی عنوان کرد. فراتر از آن، این تروریست‌ها در تبیین علل جنگ با دولت اسد، علاوه بر حکم به کفر شخص او و به جهت علوی بودن، «اتحاد کلیدی» او با دولت روسیه را از دیگر دلایل این جنگ

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

برمی‌شمردند (Nicolson,2017: 73-74). این مسئله بیانگر آنست که این تروریست‌ها به علت تعلق خاطر به هویت فروملی متضاد با هویت ملی روس، تهدید جدی برای امنیت ملی و تمامیت سرزمینی مسکو به طور خاص و به طور عام، مانع بزرگی در برابر ثبات در آسیای مرکزی محسوب می‌شوند و می‌توانند پس از کسب تجربه و تقویت پیوندهای هویتی با جریانات همسو، تمامیت ارضی روسیه را با چالش روبرو سازند.

در شرایطی که روسیه در مرزهای غربی خود خطر گسترش ناتو به شرق را احساس می‌کند، پیامدهای اقتصادی-سیاسی-امنیتی گسترش سلفیت در غرب امنیت ملی روسیه را با چالش‌های جدی روبرو خواهد ساخت. با عنایت به این احساس تهدید از جانب گروه‌های سلفی قفقاز شمالی، مسکو ضمن مقابله با جریانات سلفی این منطقه به ویژه پس از جنگ ۱۹۹۹ چچن، خواهان توقف حمایت مالی-لجستیکی-ایدئولوژیک از آن‌ها توسط دولت‌های منطقه است (عباسی و عصاری،۱۳۹۳: ۱۴۲). از سوی دیگر، مسکو داغستان را کلید حضور در شمال قفقاز می‌پندارد و نفوذ در داغستان رکن حضور در منطقه دریای خزر و قفقاز برای مقامات کرملین است که تداوم فعالیت جریانات مسلح سلفی، مانع از تقویت حضور مسکو خواهد شد.

عدم اتحاد حول مفهوم هویت ملی و همگرایی شهروندان ساکن داغستان با قوم و قبیله خویش در کشورهای اطراف - نظیر قرابت لزگین‌های داغستان به جمهوری آذربایجان - و همکاری فزاینده اقتصادی و سیاسی آن‌ها از نگرانی‌های روسیه محسوب می‌گردد که خطر استقلال داغستان و متعاقب آن تجزیه فدراسیون روسیه را افزایش می‌دهد. در این شرایط، تکثر قومی موجود در داغستان، اقوام گوناگون را در یک رقابت همیشگی برای دستیابی به منابع محدود منطقه قرار داده، مانع از مزج آمال اقوام در چارچوب هویت ملی شده و خطر تنش‌های داخلی در داغستان را در صورت وجود محرکه خارجی افزایش می‌دهد (Souleimanov,2011: 120).

ایالات متحده به ویژه همزمان با پایان جنگ سرد و با تمرکز فزاینده بر پراکندگی قومی جمهوری‌های پیشین شوروی، کوشیده است تا از این منطقه فراغ و نقطه بالقوه گسست به منظور ایجاد بی‌ثباتی در روسیه و آسیای مرکزی بهره گیرد. با عنایت به این چالش امنیتی، روسیه از اوایل قرن نوزدهم و حتی در دوران حاکمیت بلشویک‌ها و پس از آن، انواع سیاست‌های کوچ اجباری، کشتارجمعی، تبعیدهای گروهی و فراگیر انزوای اقتصادی را در قبال این منطقه اتخاذ نمود. پس از فروپاشی شوروی و همزمان با رشد آموزه‌های سلفی در داغستان در اواسط دهه نود میلادی، دولت مسکو اقدام به سرکوب وهابیون و احیای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

حاکمیت دولت مرکزی در این منطقه کرد ولی تا کنون در شکل‌دادن به یک چارچوب جهت انسجام ملی-مذهبی ساکنان مسلمان داغستان ناکام بوده است (مریدی و بخشنده، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

۸. نتیجه‌گیری

به رغم سلطه هویت دینی بر جامعه داغستان ولی تکثر قومی-زبانی از یکسو و گسترش آموزه‌های سلفی به ویژه پس از فروپاشی شوروی، شکاف‌های انباشته اجتماعی-سیاسی نظیر «سنت و مدرنیته» و «قوم‌گرایی افراطی» را در این منطقه شدت بخشیده و به تکثر هویت دینی در این منطقه انجامیده است. با این حال، تنوع قومی و زبانی به علاوه رواج زبان روسی عواملی هستند که به رغم وجود شکاف‌های اجتماعی مذکور، مانع از حرکت داغستان به سوی تنش‌های بلندمدت، تجزیه‌طلبی و کنش‌های خشونت‌آمیز - برخلاف رویکرد تندرو سلفی حاکم بر چچن - گردیده است. توسعه اقتصادی دو دهه اخیر و بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت‌های ژئواکونومیک از یکسو و فرهنگ سیاسی سنتی، متسامح و معتدل از سوی دیگر، ثبات سیاسی داغستان را افزایش داده و عرصه نفوذ و گسترش وهابیت را محدود نموده است.

هویت اسلامی در داغستان همچون سایر مناطق آسیای مرکزی از سه لایه هویت اسلام‌گرایی سنتی، اسلام‌گرایی سلفی و اقلیت شیعه تشکیل شده است. طریقت‌های صوفی با محوریت نقشبندیه مهم‌ترین خرده‌هویت فعال سیاسی-اجتماعی در داغستان به حساب می‌آیند که با رویکرد ملی‌گرایی قومی، اصلی‌ترین کنشگر در شکل‌دهی به هویت سیاسی در این منطقه هستند و به رغم گسترش کنشگری جماعت‌های سلفی با پشتیبانی عربستان سعودی در مناطق مجاور نظیر چچن، گرایشات اسلام‌گرایی معتدل و خشونت‌پرهیز و سازگار با دولت مرکزی مسکو رویکرد غالب مسلمانان داغستان را تشکیل می‌دهد. اختلافات قومی پیروان مکاتب صوفیه، پیوند برخی رهبران صوفی با حاکمان فاسد و ناکارآمد سیاسی، تبلیغات منفی جماعات سلفی علیه مکاتب صوفی و فقدان سیاست منسجم و کارآمد از سوی جمهوری‌های خودمختار جهت مقابله با نقش مخرب سلفی‌گری از مهم‌ترین چالش‌های مکاتب اسلام‌گرای سنتی در داغستان هستند.

به رغم فشار حکومت بلشویکی بر حذف عناصر و نمادهای اجتماعی اسلام‌گرایی در داغستان، فروپاشی شوروی و اجرای سیاست پروستریکای گورباچف سبب شد به رغم تضعیف نسبی نقش اجتماعی-سیاسی اسلام در دوران حاکمیت بلشویک‌ها، عناصر اجتماعی اسلام به مثابه عناصر وحدت‌بخش اهالی داغستان بار دیگر احیا شود. در دهه‌های اخیر هم با وجود گسترش تبلیغات اسلام سلفی در سراسر چچن، آموزه‌های نقشبندی و قادری کانون باورهای اکثریت اسلام‌گرایان داغستان را شکل‌دهند ولی تداوم حکمرانی فسادزا و فقدان اراده جهت اصلاح امور می‌تواند بستر گسترش فزاینده سلفیت را در سراسر قفقاز پدید بیاورد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

با این حال، محرومیت نسبی اهالی داغستان در مقایسه با سایر مناطق روسیه، افول بخش صنعت و کشاورزی داغستان، افول شاخص‌های اقتصادی، فقدان کانال‌های ساختارمند جهت بیان مطالبات سیاسی - اجتماعی، فساد نخبگان سیاسی حاکم و تعمیق شکاف میان مردم با نظام سیاسی، بیکاری گسترده، رویکرد افراطی و تند دولت مسکو در مقابله با تروریسم، نادیده‌انگاری ارزش‌های اخلاقی- اسلامی و قطبی‌شدن فزاینده جامعه، خطر انحراف از ایده تأسیس دولت اسلامی به سوی جنبش‌های تندرو سلفی و جهادهای فراملی را در چارچوب جنبش اسلامی داغستان به صدا درآورده است که می‌توان با سیاست‌هایی نظیر کاهش نرخ فقر و بیکاری و تسهیل بستر تسامح و تساهل میان گروه‌های صوفی - سلفی میانه‌رو از خطر آن کاست. در این شرایط، مخالفت دولت مسکو، گرایش سنتی عمده اسلام‌گرایان داغستان و مخالفت بیش از ۸۰ درصدی جامعه با حاکمیت قوانین شریعت به جای قوانین سکولار حاکم (بر اساس نظرسنجی‌های محلی)، احتمال تأسیس حکومت اسلامی در این منطقه را نیز بسیار کاهش می‌دهد و تسامح مبتنی بر اجرای اسلام عرفی-سنتی را در جامعه داغستان حکمفرما می‌سازد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

کتابنامه

-ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۷۰). "ملیتهای آسیای میانه"، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

-احمدی، حمید (۱۴۰۰). انقلاب اسلامی و تجدید حیات جنبش هاي اسلامی معاصر در بازخوانی تاثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری مسلمانان، به کوشش سید مهدی طاهری، تهران: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

-براکساپ، مری و گامر، موشه و هنز، پل و آوترخانف، عبدالرحمن و بریان، سنی و لومرسیه، شانتال (۱۳۷۷). دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز، (ترجمه: سید غلامرضا تهامی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

-حسینی تقی‌آباد، مهدی و کالیراد، علی (۱۳۹۴). «سلفی‌گري افراطی در قفقاز شمالی؛ با تاکید بر مؤلفه‌هاي تاریخی، فرهنگی و سیاسی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۱، ۹۳-۱۳۳.

-حسینی، سیده مطهره و شکری‌مقدم، اصغر (۱۳۹۵). «نقش هویت و قومیت در تعامل جمهوری اسلامی ایران با جامعه شیعیان روسیه». فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال چهاردهم، شماره ۵۵، ۴۷-۶۸.

-حسینی، سیده مطهره (۱۳۹۵). جنبش‌های اسلامی روسیه، تاریخ انتشار: ۱۹ دی ۱۳۹۵ (تاریخ مطالعه: ۲۴ آبان ۱۴۰۱)، تارنمای راسخون، قابل دسترسی در لینک زیر: https://cutt.ly/RKXSgeb

-خالدوف، دنگا (۱۳۷۲). «اسلام و سیاست در داغستان»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲، ۱۲۹-۱۴۶.

-رجبی، محمدحسن (۱۳۷۵). «سیری در زندگی شیخ شامل رهبر نهضت اسلامی داغستان»، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال پنجم، شماره ۲۱، ۵-۲۲.

-زلکینا، آنا (۱۳۹۰). جنبش اسلامی در قفقاز شمالی: در جستجوی خدا و آزادی؛ واکنش‌های صوفیان به پیشروی روسیه در قفقاز شمالی، (ترجمه: الهه کولایی و محمدکاظم شجاعی)، تهران: نشر علم.

-طاهری، سید مهدی و هاشمی‌نسب، سید سعید (۱۳۸۸). «جریان تصوف در آسیاي مرکزي، قفقاز و روسیه؛ راهکارهاي بهره‌مندي ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۲، شماره ۵، ۱۹۷-۲۴۲.

-عباسی، مجید و عصاری، احمدرضا (۱۳۹۴). «سیاست خارجی روسیه در قبال رشد سلفی‌گری در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست‌پژوهی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۷-۱۷۴.

-عباسی، مهدی و جعفرزاده کوچکی، علیرضا (۱۳۹۵). «واکاوی اسلام گرایی رادیکال در آسیای مرکزی، قفقاز و سیاست خارجی ایران»، نشریه مطالعات خاورمیانه، ۸۶، ۹۱-۱۱۰.

-«فرهنگ و تاریخ: رهبران نهضت اسلامی داغستان» (۱۳۷۵)، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال پنجم، شماره ۲۲، ۸-۱۷.

-فلاح، رحمت الله (۱۳۹۰). جریان‌های اسلامی در آسیای مرکزی: تحولات و چشم‌اندازها، تهران: اندیشه‌سازان نور.

-کولائی، الهه (۱۳۸۴). «زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۷، ۲۰۱-۲۲۴.

-کولایی، الهه و حسینی، سیده مطهره (۱۳۹۰). «تأثیر شکاف‌های اجتماعی- سیاسی درشکل‌گیری هویت سیاسی جامعه داغستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۶، ۱۴۷-۱۶۶.

-گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۷). جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

-مرشدلو، جواد (۱۳۹۴). «استعمار روسی و اسلام شیعی: سیاست روسیه تزاری در قبال شیعیان در نخستین سال‌های اشغال قفقاز (۱۸۱۳-۱۸۵۰م)». فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۲۷-۱۴۹.
-مریدی، بهزاد و بخشنده، خاطره (۱۳۹۰). «هویت و سیاست در جمهوري‌هاي مسلمان‌نشین روسیه: مطالعه موردي داغستان و تاتارستان»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۹، ۱۱۹-۱۳۸.
-مشرق نیوز، وضعیت شیعیان و مسلمانان جمهوری داغستان، تاریخ انتشار: ۱۳ خرداد ۱۳۹۶ (تاریخ مطالعه: ۲۰ آذر ۱۴۰۱). قابل دسترسی در لینک زیر: https://bit.ly/3FLIGXH
-معینی‌فر، حشمت‌السادات و خیری، مهری (۱۳۸۹). «نقش و تأثیر وهابیت در بحران چچن»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۷، ۱۵۱-۱۷۰.
- Borisov, R.V & Akaeva, N.S & Kazieva, N.N., (2016). »Islamic Identity of The Russian North Caucasus Modern Challenges«. European Journal of Science and Theology, Vol.12, No.2, 165-175.
- Eaton, J.S., (2005) »The Russian Federation Islamic Republic of Dagestan: Curricular Decentralization, Social Cohesion, and Stability.« Peabody Journal of Education, 80:1, 56-80.
- Hoseyni, S.M., (2013). »Political Identity of Dagestanis«. International Journal of Political Science, Vol.3, No.6, 23-30.
- Nicolson, D., (2017). »Foreign Terrorist Fighters from the North Caucasus: Understanding Islamic State Influence in the Region«. Connections QJ 16, No. 04, 69-88.
- Ratelle, J., (2020). »Jihad at Home or Leaving for Syria and Iraq: Understanding the Motivations of Dagestani Salafists«. Perspectives on Terrorism ,Vol. 14, No. 2, 57-68.
- Roshchin, M., (2018, April 15). Islamist Movements in Dagestan and North Ossetia, Al-Mesbar Center (Read at: December 14, 2021) available at: https://bit.ly/3nt0NKZ
- Sagramoso, D., (2007). »Violence and conflict in the Russian North Caucasus«. International Affairs, 83 (4), 681-705.
- Sagramoso, D., (2012). »The Radicalisation of Islamic Salafi Jamaats in the North Caucasus: Moving Closer to the Global Jihadist Movement?«. Europe-Asia Studies, 64:3, 561-595.
- Sagramoso, D & Yarlykapov, A., (2020). »What Drove Young Dagestani Muslims to Join ISIS? A Study Based on Social Movement Theory and Collective Framing.« Perspectives on Terrorism, Vol.14, No.2, 42-56.
- Souleimanov, E., (2011). »The Upsurge of Islamist Violence in the North Caucasus:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]

Exploring the Case Studies of Dagestan and Kabardino-Balkaria. « Connections, Vol.10, No.3, 117-128.

- Starodubrovskaya, I.V., (2020). »Islamic Conflict and Violence in Local Communities: Lessons from the North Caucasus«. Perspectives on Terrorism, Vol. 14, No. 2, 80-92.
- Vatchagaev, M., (2008). »The Dagestani Jamaat (Part 1)«. North Caucasus Weekly (formerly Chechnya Weekly), The Jamestown Foundation, Volume: 8 Issue: 48.
- Ware, R.B & Kisriev, E (2000). »Political Stability in Dagestan: Ethnic Parity and Religious Polarization«. Problems of Post-Communism, 47:2, 23-33.
- Ware, R.B & Kisriev, E & Patzelt, W.J & Roericht, U., (2003). »Political Islam in Dagestan«, Europe-Asia Studies, Vol.55, No. 2, 287-302.
- Yavuz, M.H., (2003). Islamic Political Identity in Turkey. New York: Oxford University Press.
- Zhemukhov, S.N & Markedonov, S & Yarlykapov, A.A (2018). »The North Caucasus and Nearby Border Regions«. Center for Strategic and International Studies (CSIS), 197-229.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۷
درخشه، جلال؛ حضرتی رازلیقی، محمد امین (۱۴۰۱)، «تحلیلی بر جنبش اسلامی داغستان» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۲، ش۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۸۹-۱۵۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.7.6]